حکم ترانه و موسيقی

و

دلايلی از کتاب و سنت بر حرمت آن

**نويسنده:**

**عبدالرحمن بن عبدالله بن صالح السحيم**

|  |  |
| --- | --- |
| **عنوان کتاب:** | حکم ترانه و موسيقی و دلايلی از کتاب و سنت بر حرمت آن |
| **نویسنده:** | عبدالرحمن بن عبدالله بن صالح السحيم |
| **موضوع:** | اسلام و هنر |
| **نوبت انتشار:**  | اول (دیجیتال)  |
| **تاریخ انتشار:**  | آبان (عقرب) 1394شمسی، 1436 هجری |
| **منبع:**  |  |
|  |  |
| **این کتاب از سایت کتابخانۀ عقیده دانلود شده است.****www.aqeedeh.com** |  |
| **ایمیل:** | **book@aqeedeh.com** |
| **سایت‌های مجموعۀ موحدین** |
| www.mowahedin.comwww.videofarsi.comwww.zekr.tvwww.mowahed.com |  | www.aqeedeh.comwww.islamtxt.com[www.shabnam.cc](http://www.shabnam.cc)www.sadaislam.com |
|  |  |
|  |
| contact@mowahedin.com |

بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب

[حکم ترانه و موسیقی و دلایل حرمت آن 3](#_Toc317809934)

[سؤال: 3](#_Toc317809935)

[فتوا: 8](#_Toc317809936)

[فتوا: 9](#_Toc317809937)

[رای امام جعفر صادق در مورد ترانه و موسیقی: 15](#_Toc317809938)

[احکام: 15](#_Toc317809939)

[ترانه و موسیقی در قرآن کریم 16](#_Toc317809940)

[هدایت استفاده شده از آیات: 17](#_Toc317809941)

[ترانه در سنت: 18](#_Toc317809942)

[احکام: 19](#_Toc317809943)

[حکم ترانه و سُرنا و نی 21](#_Toc317809944)

[یک وقفه و یک شبهه 27](#_Toc317809945)

[یک سؤال و جوابش 29](#_Toc317809946)

حکم ترانه و موسیقی و دلایل حرمت آن

سؤال:

این نامه از طریق صندوق پستی به دست من رسید و می‌خواهم پاسخ آن را بدهم: دلایل کسانی که با بحث و مناقشه‌ ترانه را حرام می‌دانند. کسانی‎که گوش دادن به ترانه، و آوازخوانی را حرام می‌دانند به روایتی از ابن مسعود و ابن عباس و برخی از تابعین استناد جسته‌اند که آنان با استناد به آیه‌ی قرآنی زیر ترانه را حرام دانسته‌اند. خداوند می‌فرماید: ﴿وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَشۡتَرِي لَهۡوَ ٱلۡحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ بِغَيۡرِ عِلۡمٖ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًاۚ أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ عَذَابٞ مُّهِينٞ ٦﴾ [لقمان: 6].

«و از مردم کسی هست که سخنان بیهوده را می‌خرد؛ تا به نادانی (مردم را) از راه الله گمراه سازد، و آن (آیات) را به ریشخند می‌گیرد، اینان برایشان عذاب خوار کننده‎ای است».

طرفداران حرام بودن ترانه «لهو الحدیث» را به ترانه تفسیر کرده‌اند. ابن حزم می‎گوید: به چندین دلیل حجتی در این استدلال (بر اثبات مدعی) وجود ندارد. 1- هیچ احدی جز رسول خداص حق حجت بودن و اقامه‌ی حجت بر دیگران را ندارد. 2- بسیاری از صحابه و تابعین با آن‌ها (ابن مسعود و ابن عباس) به مخالفت برخاسته‌اند. 3- نص آیه احتجاج ایشان بدان را ابطال می‌نماید چون در آن قید ﴿وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَشۡتَرِي لَهۡوَ ٱلۡحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ بِغَيۡرِ عِلۡمٖ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا﴾ وجود دارد. و این (به تمسخر و استهزاء گرفتن راه خدا) صفتی‎ست که هر کس آن را انجام دهد بدون خلاف کافر می‌شود. زیرا راه خدا را به استهزا گرفته است. اگر کسی قرآنی را به قصد گمراه کردن مردم و به قصد به استهزا گرفتنش ، بخرد بدون شک کافر می‌شود: و آن‎چه که در این آیه مورد نکوهش و ذم خداوند واقع شده همین است، و خداوند هرگز کسی را مورد نکوهش قرار نداده که سخنان لهو را می‌خرد، تا با استفاده از آن‌ها خود را سرگرم کرده و شادی نفس و راحتی درونی به‎وسیله‎ی آن بدست آورد، و ابداً قصد گمراه کردن مردم از راه خدا را به‎وسیله‌ی آن‌ها ندارد. بنابراین استناد و استدلال به سخن کسانی‎که ذکرشان رفت (ابن مسعود و ابن عباس) باطل است. هم‎چنین کسی‎که خود را به قرآن خواندن و مطالعه‌ی سنت مشغول کند و از این طریق عمداً از ادای نماز واجب خودداری کند، یا خود را به سخنرانی و گفتگو مشغول کند، یا مشغول شدن به مال و ثروت و غیر این‎ها، او را از ادای نماز واجب باز دارد، در مقابل امر خدا ‎فاسق و عصیان‌گر تلقی می‌شود، اما کسی‎که به کارهای فوق مشغول شود ولی مشغول شدنش او را از نماز باز ندارد نیکوکار به شمار می‌آید. (المحلی: ابن حزم 9/60 چاپ‌: المنیریه) و در مقام بیان حرمت آواز و ترانه به فرموده خداوند استدلال کرده‌اند که در مدح مؤمنان می‌فرماید: ﴿وَإِذَا سَمِعُواْ ٱللَّغۡوَ أَعۡرَضُواْ عَنۡهُ﴾ [القصص: 55]. «چون سخنان بی‌فایده بشنوند از آن روگردان شوند».

ترانه هم از جمله لغو است پس روگردانی از آن واجب است. در پاسخ به این استدلال گویم: آن‎چه از ظاهر آیه استنباط می‌شود این‎که کلمه‎ی «اللغو» به معنای سخن نابخردانه چون دشنام و ناسزا گفتن است و بقیه‎ی آیه ناطق به آن است که می‌فرماید: ﴿وَإِذَا سَمِعُواْ ٱللَّغۡوَ أَعۡرَضُواْ عَنۡهُ وَقَالُواْ لَنَآ أَعۡمَٰلُنَا وَلَكُمۡ أَعۡمَٰلُكُمۡ سَلَٰمٌ عَلَيۡكُمۡ لَا نَبۡتَغِي ٱلۡجَٰهِلِينَ ٥٥﴾ [القصص: 55] «چون سخنان بی‌فایده بشنیدند از آن روی‎گردان شدند و گفتند عمل ما برای خودمان، و عمل شما برای خودتان، سلام بر شما ما نادانان را نمی‌طلبیم».

آیه‎ی فوق شبیه فرموده‎ی خداوند است که در وصف بندگان موصوف به **«**عِبَادُ ٱلرَّحۡمَٰنِ**»** می‌فرماید: ﴿وَإِذَا خَاطَبَهُمُ ٱلۡجَٰهِلُونَ قَالُواْ سَلَٰمٗا ٦٣﴾ [الفرقان: 63].

«زمانی‎که نادانان آنان (عباد الرحمن) را مورد خطاب قرار دهند گویند سلام (بر شما)»، اگر فرضاً بپذیریم که مراد از «لغو» در آیه ترانه است، باز هم آن‎چه از آیه استفاده می‌شود این است که روی‎گردانی از شنیدن و ستایش نمودن آن مستحب است و در آیه چیزی وجود ندارد که واجب بودن روی‎گردانی از آن را ثابت کند زیرا کلمه‌ی «لغو» هم‎چون کلمه‎ی «باطل» به معنی اشیاء و امور بدون فایده است و گوش دادن به امور بدون فایده اگر باعث تضییع حقوق و بازداشتن انسان از ادای واجب نشود، حرام نیست.

هم‎چنین به این حدیث استدلال ورزیده‌اند که **«کُلُّ لَهْوٍ يَلْهُو بِهِ الْمُؤْمِنُ فَهُوَ باطِلٌ إلاَّ ثَلاثَةٌ، مُلاعِبَةُ الرَّجُلِ أهْلَهُ وَتَأْدِيبُهُ فَرَسَهُ وَرَمْيُهُ عَنْ قَوْسِهِ»**،«هر سرگرمی که باعث غفلت مسلمانان شود باطل است مگر سه چیز: شوخی مرد با خانواده‌اش و ادب دادن اسبش و تیراندازی کردن». [رواه أصحاب السنن الأربعه وفیه اضطراب]

چنان‎که مشاهده می‌شود ترانه از این سه خارج است، اما آنهایی‎که گوش دادن به آواز را جایز دانسته‌اند این حدیث را ضعیف پنداشته‌ و گفته‌اند بر فرض صحّت و قوّت باز هم حجتِ حرمت آواز و ترانه تلقی نمی‌شود چون جلمه‎ی **«فهو باطل»** بر حرمت دلالت نمی‌کند بلکه بر بی‌فایده بودن دلالت می‌نماید. از «ابی الدر داء» منقول است می‌گفت: «من به‎وسیله‎ی چیزی از باطل تمرکز حواس پیدا می‌کنم تا نفسم بر حق قوی‌تر گردد». علاوه بر این [در حدیث] حصر در این سه مراد نیست چون لهو و سرگرمی به‎وسیله‎ی نگریستن بر حبشی‎ها، در حالی‎که در مسجد رسول خداص می‌رقصیدند خارج از این سه امر است، در حالی‎که این روایت در کتب صحیح به ثبوت رسیده است. و هیچ گمان در این نیست که گردش کردن در باغ‎ها و شنیدن صدای پرندگان و انجام انواع بازی و سرگرمی‎ها، که انسان به آن‌ها برمی‌خیزد همگی حلال هستند، و توصیف هیچ‎کدام از آن‌ها به وصف حرمت جایز نیست، هر چند توصیف آن‌ها به باطل جایز است.

و به این حدیث که امام بخاری آن را ـ به صورت معلق ـ از ابی مالک یا ابی عامر اشعریس روایت کرده استدلال کرده‌اند که رسول خداص فرمود: **«لَيَکُونَنَّ قَوْمٌ مِنْ أُمَّتِی يَسْتَحِلُّونَ الْحَرَّ وَالْحَرِيرَ وَالْخَمْرَ وَالْمَعازِفَ»** «در میان امت من قومی پیدا می‌شوند که زنا و لباس ابریشم و شراب و ساز و آواز را حلال می‌دانند».

این حدیث هر چند در صحیح البخاری آمده است اما از احادیث (معلقه) بشمار می‌آید نه از «مستندات متصله»، و به همین دلیل و به دلیل منقطع بودن سندش، ابن‎حزم آن را مردود دانسته است و هم‎زمان با تضعیف آن با تکیه بر تعلیق، گفته‌اند سند و متن آن سالم از اضطراب نیستند، چون سندش بر «هشام بن عمار» در دوران است، به «المیزان وتهذیب التهذیب» مراجعه شود.

بسیاری از محدثین این حدیث را ضعیف دانسته‌اند، هر چند بر سرِ ثبوت آن سخن فراوان وجود دارد. و در دلالتش بر معنای مورد نظر، سخن دیگری هست، و آن این‎که حدیث در افاده‎ی معنی حرام بودن ساز و پیانو صریح نیست، زیرا واژه‌ی **«يَسْتَحِلُّونَ»** ـ چنان‎که ابن الوی ـ گفته دارای دو معنا است: 1- عقیده دارند که این آلات حلال هستند. 2- در معنای مجازی به کار رفته که طلب به‎کارگرفتن این اسباب و آلات است، نه قصد تبیین حکم شرعی، زیرا اگر کلمه استحلال در معنای حقیقی به‎کار می‌رفت مخالفت با آن کفر تلقی می‌شد. به دلیل این‎که استحلال حرام کفر است و به این حدیث استدلال نموده‌اند: **«إِنَّ اللهَ تَعالی حَرَّمَ الْقَيْنَةَ وَبَيْعَها وَثَمَنَها وَتَعْلِيمَها»** «خداند [نزدیکی با] کنیزک آوازخوان و فروش آن و قیمتش و تعلیم آن را حرام کرده است».

در پاسخ به این استدلال می‌گویم: اولاً این حدیث ضعیف است. ثانیاً امام غزالی گفته است مقصود از قینه کنیزکی است که در مجلس میگساری برای مردان ترانه بخواند، و ترانه‌خوانی زن بیگانه برای افراد فاسق و کسانی‎که ترس فتنه از ناحیه‎ی آن‌ها موجود باشد حرام است، و مقصود از فتنه تنها چیزی‎ست که حرام باشد. اما آوازخوانی کنیز برای سیّد و مالکش جایز است، و تحریم آن از این حدیث برداشت نمی‌شود. حتی غیر مالک او نیز می‌تواند در صورت عدم ترس از فتنه، به آواز او گوش فرا دهد، به دلیل روایت صحیحین [بخاری و مسلم] که دو کنیزک در خانه‎ی حضرت عایشه ترانه می‌خواندند (1/إحیاء، ص 1148) این روایت بعداً خواهد آمد.

ثالثاً: کنیزک‎های آوازخوان عنصر مهمی در نظام برده‌داری به شمار می‌رفتند. نظامی که اسلام به لغو و تصفیه‎ی تدریجی آن همت گماشت زیرا بقای این طبقه (برده‌ها) با حکمت و فلسفه‎ی جامعه اسلامی هم‎خوانی نداشت آن‎جا که سخن از نکوهش نگهداری و فروش کنیزک آوازخوان می‌آید، در واقع یکی از ارکان اساسی نظام ظالمانه‎ی برده‌داری ویران می‌گردد، هم‎چنین به روایت نافع، از ابن عمرم استدلال کرده‌اند که چون صدای نواختن نی از سوی چوپانی را شنید انگشت‎های خود را در گوش‎هایش فرو برد و شتر خود را از راه منحرف کرد و گفت: دیدم رسول خداص صدای نواختن سازی را شنید و چنین کرد. اصل روایت از ابن ماجه است. و ابوداود آن را حدیث منکر دانسته: احمد ابن ماجه و ابوداود این روایت را نقل کرده‌اند و به این روایت نیز استناد جسته‌اند که می‌گوید: **«إنَّ الْغِناءَ يُنْبِتُ النِّفاقَ فِي الْقَلْبِ»**. «ترانه و آواز نفاق را در دل می‌رویاند».

و این در حالی‎ست که حدیث بودن این روایت از رسول خداص به ثبوت نرسیده است، بلکه آن‎چه ثابت شده این‎که این روایت، قول بعضی از اصحاب است، پس این روایت رأی شخصی غیر معصوم است و غیر او در مورد آن با او به مخالفت برخاسته‌اند زیرا در میان انسان‌ها ـ به‎ویژه صوفی‎ها ـ کسانی هستند که می‌گویند ترانه و آواز باعث نرمش و ترقیق قلب می‌گردد و حزن و پشیمانی بر معصیت را در درون به وجود می‌آورد و شوق به سوی خدا را در دل‎ها به هیجان در می‌آورد. از این رو ترانه را وسیله‌ای برای تجدید نفوس و به نشاط در آوردن عزم و تحریم شوق و علاقه شمرده‌اند و گفته‌اند این امری‎ست که فقط از راه ذوق و تجربه و ممارسه شناخته می‌شود لذا گفته‌اند: هر کسی قوه ذوق و چشیدن داشته باشد از شناخت و معرفت بهره خواهد گرفت. یا شنیدن کی بُوَدْ مانند دیدن و ... نامه‌ای که از طریق صندوق پستی رسیده بود طولانی‌تر از این است، ولی من تنها گزیده و مختصری از آن را بازگو کردم. و در آن دلایل حرام نبودن ترانه و آواز آمده است، حال مرا راهنمایی کنید و مرا از سرگردانی نجات دهید، خدا شما و من را مورد رحمت قرار دهد.

فتوا:

**الحمد لله والصلاة والسلام علی رسول الله وعلی آله وصحبه، أما بعد:**

بدان ـ ای سؤال کننده‎ی ارجمند ـ که اگر دلیلی سوای آن‎چه که تو بیان کرده‌ای در مورد حرام بودن ترانه نمی‌آمد کافی بود تا حرمت آن را ثابت کند. زیرا در رابطه با آیه‌ی شریفه امام ترمذی در مورد شأن نزول آن ـ از حدیث أبی امامه ـ نقل می‌کند که رسول‎خداص فرموده: «**لَا تَبِيعُوا القَيْنَاتِ، وَلَا تَشْتَرُوهُنَّ، وَلَا تُعَلِّمُوهُنَّ، وَلَا خَيْرَ فِي تِجَارَةٍ فِيهِنَّ، وَثَمَنُهُنَّ حَرَامٌ، فِي مِثْلِ هَذَا أُنْزِلَتْ هَذِهِ الآيَةُ»**. از خرید و فروش و تعلیم دادن کنیزهای آوازخوان خودداری کنید چرا که خیری در تجارت آن‌ها دیده نمی‌شود و قیمت و بهای آنان حرام است و این آیه‌ی خداوند در مورد امثال آنان فرود آمده که می‌فرماید: ﴿وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَشۡتَرِي لَهۡوَ ٱلۡحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ﴾ [لقمان: 6] « و از مردم کسی هست که سخنان بیهوده را می‌خرد؛ تا به نادانی (مردم را) از راه الله گمراه سازد».

این حدیث را اَلْبانِی و غیر او صحیح دانسته‌اند و آلبانی آن را در سلسله‎ی صحیحش آورده است. و اگر در امر اسباب نزول قرآن بر اصحاب تکیه و اعتماد نشود بر چه کسی خواهد شد؟

و اما نسبت به این حدیث شریف **«لَيَکُونَنَّ فِي أُمَّتِی أَقْوامٌ يَسْتَحِلُّونَ الْحَرَ وَالْحَرِيرَ وَالْخَمْرَ وَالْمَعازِفَ»** «در میان امت اقوامی پیدا خواهند شد که زنا و ابریشم و شراب وترانه و ساز را حلال خواهند دانست». هر چند امام بخاری این حدیث را بصورت معلق آورده است، اهل حدیث آن را صحیح تلقی کرده‌اند. ابن حجر می‌گوید: حدیث صحیح و به شرط صحت، معروف الاتصال است.

و بخاری نیز بعضی اوقات چنین می‌کرد، زیرا خود او در جای دیگر از کتابش حدیث را مسند و متصل ذکر کرده است، و بعضی اوقات احادیث را صحیح می‌دانست بدون این‎که اسباب عدم خلال در انقطاع آن را در دست داشته باشد ... . و اما آن‎چه در مورد استحلال (حلال دانستن) آمده است خواه مقصود از آن اعتقاد به حلال بودن آن باشد، یا معنای مجازی مورد نظر باشد، محض آمدن ترانه با زنا و ابریشم و شراب برای بیان حرمت آن کافی است، با وجود این دلایل فراوان دیگر بر حرمت ترانه و آواز وجود دارد از جمله از رسول خداص روایت شده که **«إِنَّ اللهَ حَرَّمَ عَلَيَّ ـ أَوْ حَرَّمَ ـ الْخَمْرَ وَالْمَيْسِرَ وَالْکُوبَةَ، وَکُلُّ مُسْکِرِ حَرامٌ»** خداوند شراب و قمار و جام شراب را و هر مست کننده‌ای را بر من حرام کرده است ـ یا حرام کرده است ـ و برای مزید فایده می‌توانی به فتوای شماره (16947) ما مراجعه کنی.

گفته‌اند ابن حزم ترانه را حلال دانسته آیا این صحیح است؟

فتوا:

**الحمد لله والصلاة والسلام علی رسول الله وعلی آله وصحبه أما بعد:**

بلی معروف و مشهور است که ابن حزم/ ترانه و آواز را مباح می‌دانسته، چنان‎که این مطلب در کتابش المحلی (9/60) آمده است. آن‎چه که می‌خواهم روی آن تأکید کنیم این‎که: اگر مردم بشنوند که عالمی چون ابن حزم یا غیر او از علما ترانه را حلال دانسته‌اند گمانشان به سوی این می‌رود که ترانه‌های موجود امروزی که در کانال‎های ماهواره‌ای و رادیوها و در تئاترها و سالن‎های کنسرت و سالن‎های هتل‎ها سر داده می‌شوند حلال باشند، و محرماتی که در هم‎چنین مجالسی انجام داده می‌شوند چون آرایش‎های غلیظ و اختلاط زنان و مردان و دعوت به زنا و فساد اخلاقی و شرب خمر، و رقص و نمایش آوازخوانان عریان و نیمه عریان در جلوی چشمان مردان دل مریض، و رد و بدل کردن کلمات عاشقانه و خلاف ادب و عفت و ... حلال باشند.

در هم‎چنین مجالسی زنان و مردان به هم تمایل پیدا می‌کنند، و به آوازخوانی و طرب و معصیت خداوند می‌پردازند، این نوع ترانه و امثال آن را هیچ مسلمانی حلال ندانسته است، تا چه رسد به علما و دانشمندان. خصوصاً امام دانشمند چون ابن حزم. علما اتفاق دارند که هر ترانه‌ای که مشتمل بر دشنام و حرف زشت و فسق و تحریک بر معصیت باشد حرام است.

از این‎جا‎ست که می‌گوییم: هر کس در میان عامه‎ی مردم شایع کند که امام ابن‎حزم آواز و ترانه را مباح دانسته، شایسته است قبل از هر چیز متوجه این نکته باشد که این سخن منجر به چه چیز می‌شود، و از کجا سر در می‌آورد؟ و باید بداند که در چه شرایطی زندگی می‌کند. [آن‎گاه هم‎چنین سخنی بر زبان آورد] گذشته از همه‌ی توجیهات و تأویل‌های فوق، این امر که ابن‎حزم ترانه را مباح دانسته چه فایده‎ی دارد در حالی‎که رسول خداص خود، آن را تحریم کرده و نص صریح بر حرمت آن وجود دارد. و خداوند متعال دستور می‌دهد: ﴿وَمَآ ءَاتَىٰكُمُ ٱلرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَىٰكُمۡ عَنۡهُ فَٱنتَهُواْ﴾ [الحشر: 7].

چیزهای را که رسول خدا برای شما آورده بگیرید (اجرا کنید) و از آن‎چه که شما را از آن نهی کرده است دست بکشید. و می‌فرماید: ﴿فَلۡيَحۡذَرِ ٱلَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنۡ أَمۡرِهِۦٓ أَن تُصِيبَهُمۡ فِتۡنَةٌ أَوۡ يُصِيبَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٌ ٦٣﴾ [النور: 63].

«باید بترسند آن‌هایی‎که با امر رسول به مخالفت برمی‌خیزند از این‎که به فتنه یا عذابی دردآور مبتلا شوند».

**محمد محمود عبدالخالق:**

ترانه و آواز در این ایام نقش اساسی در به فساد کشاندن انسان‌ها و دور کردنشان از اسلام به‎عهده دارند خواه آوازخوان‎ها این امر درک کرده باشند یا خیر؟ برای اثبات این ادعا همین بس که غربی‎ها به‎شدت فعال و در تلاش‌اند تا میل به ترانه و آواز را در میان مسلمانان بویژه جوانان و نوجوانان رواج دهند. سرسپردگان غرب در منطقه نیز از انجام هیچ تلاش و سعی در این راستا ابا نمی‌ورزند، علاوه بر غرب و سرسپردگانش دعوت‎گرانی که بر درِ دوزخ ایستاده و مردم ما را به سوی آن هدایت می‌نمایند قصد به فساد کشاندن مسلمانان و انتشار فاحشه‌گری در میان مسلمانان و در ممالک اسلامی را دارند، آن‌ها به شدت فعال هستند تا مسلمین را از قضایای اصیل بازداشته و دین را از برنامه‌های زندگیشان دور بدارند، یکی از وسایلی که این منادیان فسق و فجور در راستای نیل به اهداف خویش از آن استفاده می‌برند ترانه و آواز است. ترانه در نزد این مفسدین از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و یکی از ادوات مهم رسیدن به اهداف و برنامه‌هایشان به شمار می‌رود. از این رو است که این جریانات شبکه‌های ماهواره‌ای ویژه‌ی ترانه و آواز راه‌اندازی می‌کنند، و شب و روز در پی رقص و آوازخوانی و ترویج فساد و بی‌بند و باری هستند، در برخی از موارد یک روز تمام را با پخش یک برنامه سپری می‌نمایند، تا از این راه اغلب مسلمین را وادار به روی آوردن و استقبال نمودن از این ترانه‌ها نمایند. و آن‌ها را علاقه‌مند به شبکه‎ی ماهواره‌ای خود می‌گردانند. و همه‌ی اوقات آن‌ها را به‎وسیله‌ی آن‌ها پرکنند. آن‎چه که جای بسی تأسف است این‎که بسیاری از فرزندان این امت به این شبکه‌ها روی آورده و مفتون برنامه‌های آن‌ها شده‌اند که شکست و عقب‌نشینی بزرگ به‎شمار می‌آید.

هدف اصلی مورد تعقیب این کانال‎ها بیدار کردن و به‎خروش درآوردن فتنه، و شعله‌ور نمودن آتش شهوت در درون مسلمانان، و بازداشتن آن‌ها از ایمان و قرآن، و پرورش دادن ارزشهای فاسد و افکار مخرب در دل مسلمانان است، و این امر بدون شک بسی خطرناک است که لازم است علما ومصلحان امت اسلامی بر آن وقفه‌ای داشته باشند، وگرنه نتایج آن بس خطرناک و زیان‎بار خواهد بود، آن‎گاه همگی گناه‎کار و بی‌گناه پشیمان خواهند گشت. از حضرت ام سلمهل روایت شده که رسول خداص فرمود: **«إِذَا ظَهَرَتِ الْمَعاصِي فِي أُمَّتِي أَوْ شَکَ اللهُ أَنْ يَعُمَّهُمْ بِعِقابٍ مِنْ عِنْدِهِ، فَقُلْتُ: يا رَسُولَ اللهِ أَما فِيهِمْ يَوْمَئِذٍ أُناسٌ صالِحُونَ، قالَ: بَلی وَلکِنْ يُصِيبُهُمْ ما أَصابَ النّاسَ ثُمَّ يَصيرُونَ إِلی مَغْفِرَةٍ مِنْ اللهِ وَرِضْوانٍ».**

اگر گناه و فساد در میان امت من رواج پیدا کرد، احتمال می‌رود که خداوند همگی آن‌ها را به عذابی از سوی خود گرفتار کند. عرض کردم ای رسول خدا! مگر در میان آن‌ها انسان‎های صالح وجود نخواهند داشت: فرمود بلی اما آن‌ها هم گرفتار مصیبتی می‌شوند که عامه‌ی مردم بدان گرفتار شده‌اند، پس از آن خداوند از گناهانشان در می‌گذرد و به سوی مغفرت و رضایت او می‌روند.

این حدیث بر این امر دلالت می‌نماید که بر اثر کثرت معاصی همه‌ی آن‌ها گرفتار عقاب و انتقام خداوند می‌شوند.

از رسول خداص سؤال شد آیا اگر صالحان در میان ما موجود باشند گرفتار هلاکت خواهیم شد؟

بلی: اگر فسق و فجور فراوان شود. بر علما و اهل طاعت واجب است در انجام وظیفه‌ی امر به معروف و نهی از منکر کوتاهی نکنند، و جلو خراب کاری و عصیان مردم را بگیرند، شاید عقاب و خشم خدا تخفیف پیدا کند.

احتمالاً بسیاری از مسلمانانی که این ترانه‌ها را می‌شنوند گمان ببرند که شنیدن و دیدنشان هیچ اشکالی ندارد، حتی بعضی می‌پندارند گوش دادن به آواز و ترانه وسیله‌ای برای خروج از حالات یأس و سرگردانی است، برخی هم به قصد وقت‎گذرانی بدان گوش می‌دهند، گروهی نیز به منظور تجدید قوای درونی و تسلیت روحی بدان روی می‌آورند، دسته‌ی دیگری بدین خاطر بدان گوش فرا می‌دهد یا تماشا می‌نماید چون یادآور داستان‌های محبت و عشق با محبوب و معشوق است، گروهی هم فقط بدین علت بدان گوش می‌دهند چون دیگران بدان گوش داده‌اند و می‌دهند، و غیر این‎ها، از عذرهای که برای خود می‌تراشند و گوش فرادهندگان بدان‎ها توسل می‌جویند. گذشته از موارد فوق عده‌ای بدین علت بدان‎ها گوش فرا می‌دهند چون عقیده دارند حلال است، و شنیدن آن اشکال ندارد، عده‌ای هم علی‎رغم اطلاع بر حرمت آن بدان گوش می‌دهند.

در این‎جا سؤال می‌کنم آیا این عده از حکم شرعی آن‎چه می‌بینند و می‌شنوند؟ و آیا سؤال کرده‌اند، و حکم موافقت یا مخالفت آن با دین را می‌دانند؟

و آیا در گوش دادن به آواز و ترانه اطاعت خداوند نهفته یا معصیت او؟

و آیا ترانه ضد قرآن است یا علاقه و ربطی بدان ندارد؟

و حق است یا باطل؟

و در روز قیامت در میزان حسنات و نیکی‎ها به حساب می‌آید یا در میزان سیئات و بدی‎ها؟ و سؤالاتی از این قبیل.

اگر فرضاً کسی به طعامی روی‌ آورد تا آن را تناول کند ابتدا از مصدر آن پرسش می‌جوید! حتی بعضی اوقات از وضعیت آشپز آن نیز سؤال می‌کند! ولی چرا در سایر مسائل چنین عمل نمی‌کنیم و قلب و درون خود را به آسانی در اختیار دیگران قرار می‌دهیم، دیگرانی که هیچ چیزی از وضعیت آن‌ها نمی‌دانیم، و خیری در آنان نمی‌بینیم.

چرا در امور دنیای تحقیق و استفسار می‌کنیم، ولی در امور اخروی بدون احتیاط و اهتمام عمل می‌نماییم؟

من بر گوش فرا دهندگان بر ترانه بانگ و فریاد بر می‌آورم و می‌گویم: قبل از روی آوردن به آن‌ها هزار مرتبه فکر کنید. بر مسلمان واجب است که سعادت و خوش‎بختی خود را در اطاعت از خدا بجوید و هر مسلمانی که گمان ببرد معصیت و گناه او را به‎سوی سعادت و خوش‎بختی می‌برد در واقع نتیجه‌ای جز حسرت و ناکامی نخواهد گرفت، و اگر توبه نکند و به سوی خدا بازنگردد و سعادت خود را در اطاعت خدا و عمل به اوامر، و اجتناب از نواهی او نجوید، برای همیشه بدبخت خواهد گشت. من کسانی را که از ارتکاب گناه و آلوده شدن به معصیت اظهار خوشحالی می‌کنند، بیم می‌دهم و برحذر می‌دارم که خوشحالی از گناه و آرزوی انجام آن به مراتب بسی خطرناک‌تر از نفس گناه است، ترس تو از این‎که مردم تو را در هنگام ارتکاب گناه مشاهده کنند بس شدیدتر از انجام آن است، پس نکند که از جمله‌ی کسانی باشی که در مقابل خالق و پروردگارشان اقدام به گناه آشکار می‌نمایند. و خوشحال از انجام آن هستند. برادرم بر امری حریص باش که سود دنیا و آخرت تو را در بردارد، و بدان که زندگی و حیات حقیقی، حیات آخرت است، و سعادت واقعی در رضای خداست.

من بر علما و آگاهان بانگ برمی‌آورم که ای آگاهان هر چه بیشتر از پدیده‎ی رواج یافتن آواز و ترانه سخن به میان آورید، از مردم بیشتر نزدیکی بجویید، و برای آن‌ها به سرمشق و الگوی نیکو تبدیل شوید، راه صلاح و ارشاد و هدایت را به ایشان نشان دهید، نقش خود را به خوبی ایفا کنید، خود را از افراد جامعه و مجالس بیش از این دریغ نکنید، و پرده‌های میان خود و مردم را پاره کنید تا وضعیت از آن‎چه هست به مراتب بدتر نشود. و بدون شک اگر علما و دانش‎مندان نسبت به وظایف خود تلاش نکنند، یکی از اسباب خرابی اوضاع جامعه به شمار خواهند آمد.

در خاتمه‌ی این موضوع یادآوری سخن یکی از علما را خالی از فایده نمی‌دانم که درباره‎ی حکم ترانه مورد سؤال واقع شد. فرمود: اگر به فرض حکم به حلال بودن آن نیز بدهیم وضعیت امتِ ما اقتضا نمی‌کند به ترانه و گوش دادن بدان روی آوریم. این عالم سخن فوق را حدوداً بیست سال قبل از واقعه‎ی کشتار صبرا و شتیلا (در لبنان) بر زبان راند آری قبل از کشتار چچنی‎ها، و کشتارهای مستمر در فلسطین، قبل از اشغال چچن و حمله‌ی آمریکا به افغانستان و عراق و قبل از تهدیدهای مکرر و فراوان که از هر سو علیه امت اسلامی شنیده می‌شود، تهدید از سوی دشمنانی که به هر وسیله‌ی ممکن دشمنی خود را اعمال می‌کنند، و در همه‌‌ی میادین و زمینه‌ها و با تمام امکانات به جنگ با مسلمانان برخاسته‌اند. تو را به خدا سوگند می‌دهم اگر عالم یاد شده وضعیت کنونی ما را می‌دید چه می‌گفت؟

پس ای برادر بیا، قبل از فوت وقت بیدار شویم معقول نیست که برادران ما سر بریده شوند، و منازل و مساجد بر سر آن‌ها ویران گردد، و خواهران مسلمان هتک حرمت شوند، و ما مشغول ترانه و خنده و شادی باشیم. و بی‌مبالات از کنار این رویدادها رد شویم. گوئی این مسلمانان هیچ حقی بر دوش ما ندارند، یا اصلاً مسلمان نیستند، پس بیایید که از هم اکنون بر نصرت دینمان حریص باشیم، بر نصرت مسلمانان تأکید ورزیم و از بذل هر چه در توان داریم در این راه دریغ نورزیم، و اگر در راستای نصرت اسلامی کاری نکرده‌ایم حسابمان نزد خداوند، سخت و دشوار خواهد بود.

از خداوند می‎خواهم که اسلام و مسلمین را نصرت و یاری دهد، و ما را وسیله‌ی نصرت دینش قرار دهد. «إ**نَّهُ عَلی کُلِّ شَيء قَدِيرٌ»** «همانا خداوند بر هر چیز توانا است».

رای امام جعفر صادق در مورد ترانه و موسیقی:

خداوند می‌فرماید: ﴿وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَشۡتَرِي لَهۡوَ ٱلۡحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ بِغَيۡرِ عِلۡمٖ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًاۚ أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ عَذَابٞ مُّهِينٞ ٦﴾ [لقمان: 6].

«و از مردم کسی هست که سخنان بیهوده را می‌خرد؛ تا به نادانی (مردم را) از راه الله گمراه سازد، و آن (آیات) را به ریشخند می‌گیرد، اینان برایشان عذاب خوار کننده‎ای است».

امام ابوعبدالله الصادق/ می‌فرماید: «خانه‌ی که در آن ترانه خوانده شود - یا برای ترانه ساخته شده باشد ـ از فجایع در امنیت نخواهد بود، و هیچ دعای در آن اجابت نخواهد بود، و ملائک بدان وارد نخواهند شد».

احکام:

1ـ ترانه و ملحقات آن چون موسیقی و به‎کار گرفتن وسایل مسرّت و شادی به همه‌ی انواعش ولو با استفاده از کلمات قرآن یا دعا یا اشعار مشتمل بر امور مثبت که در ذات خود حلال، غیر جایز است.

2ـ کسب اموال از طریق ترانه به هر شکلی از اشکال مانند پول گرفتن در مقابل آوازخواندن، یا ساختن و فروختن وسایل آن و هر عقدی که به نوعی به آواز و ترانه در ارتباط باشد حرام است.

3ـ استفاده از نوارهای صوتی و تصویری و سی‌دی‌های مشتمل بر ترانه، و خرید و فروش و تولید و اجاره دادنشان و هر نوع قرارداد و عقد بر آن‌ها حرام است.

4ـ مشهور است که ترانه‎ی زنان آوازخوان در مجالس عروسیِ زنان به شرط آن‎که حرام دیگری چون اختلاط زنان و مردان یا سخن حرام و مانند آن، در آن وارد نشود حلال است، اما از باب رعایت احتیاط، ترکش بهتر است.

5ـ در صورت دچار اشتباه شدن در مورد آواز و ترانه، عرف حاکم می‌تواند ما را از شبهه و سرگردانی رها سازد.

ترانه و موسیقی در قرآن کریم

1ـ خداوند می‌فرماید: ﴿وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَشۡتَرِي لَهۡوَ ٱلۡحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ بِغَيۡرِ عِلۡمٖ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًاۚ أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ عَذَابٞ مُّهِينٞ ٦﴾ [لقمان: 6].

«و از مردم کسی هست که سخنان بیهوده را می‌خرد؛ تا به نادانی (مردم را) از راه الله گمراه سازد، و آن (آیات) را به ریشخند می‌گیرد، اینان برایشان عذاب خوار کننده‎ای است».

2ـ ﴿قَدۡ أَفۡلَحَ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ ١ ٱلَّذِينَ هُمۡ فِي صَلَاتِهِمۡ خَٰشِعُونَ ٢ وَٱلَّذِينَ هُمۡ عَنِ ٱللَّغۡوِ مُعۡرِضُونَ ٣﴾ [المؤمنون: 1 - 3].

«به‎راستی مؤمنان رستگارند آنانی‎که در نمازهایشان اهل خشوع و تواضع هستند و از امور بیهوده روی‎گردانند».

3 ـ ﴿فَٱجۡتَنِبُواْ ٱلرِّجۡسَ مِنَ ٱلۡأَوۡثَٰنِ وَٱجۡتَنِبُواْ قَوۡلَ ٱلزُّورِ ٣٠﴾ [الحج: 30].

«از پلیدی‎ها یعنی بت‌ها دوری کنید و از سخن افترا و بی‌اساس بپرهیزید».

4 ـ ﴿وَٱلَّذِينَ لَا يَشۡهَدُونَ ٱلزُّورَ وَإِذَا مَرُّواْ بِٱللَّغۡوِ مَرُّواْ كِرَامٗا ٧٢﴾ [الفرقان: 72].

«آن‌هایی‎که گواهی نا به حق و باطل نمی‌دهند و چون از کنار لغو (امور بی‌فایده) بگذرند بزرگوارانه از کنار آن می‌گذرند».

هدایت استفاده شده از آیات:

لهو عبارت از هر قول و فعلی‎ست که خالی از هدفی معین باشد که در نهایت خسارت و زیان برای انسان به بار خواهد آورد، زیرا انسان فقط چند تومان پول نقد در قبال آن نخواهد داد و بس، بلکه ساعت‎های گران‎بها از عمر خویش را صرف آن خواهد نمود، و فرصت‎های خود را فدای آن خواهد کرد ... بدین وسیله از آیات خداوند دور خواهد گردید و آن‌ها را کنار خواهد نهاد.

مفردات لهو حدیث (اقسام سخنان بیهوده) بس فراوانند، اما آن‎چه ـ از احادیث مأثور ـ از رسول خداص و اهل بیتش، در تفسیر این آیه روایت شده به وفور نشان می‌دهد که آیه دال بر نهی از ترانه است، به اعتبار این‎که ترانه یکی از بارزترین مصادیق سخن بیهوده است، چنان‎که احادیث شریف نیز کلمه «اللغو» وارده در آیه را به گوش دادن به آن‎چه شنیدن و گوش دادنش حرام است، که شامل فحش و غیبت و پرداختن و فرو رفتن در آیات خدا با هوی و هوس تفسیر کرده‌اند. اما واژه‌ی «اللغو» در برخی از احادیث بر یکی از بارزترین مصادیق آن یعنی ترانه و لهو تفسیر شده است.

و اما قول زور: مجموعه‎ی روایات وارده در تفسیر آن اشاره به این دارند که قول زور به هر قول باطلی گفته می‌شود، و به عنوان یکی از مصادیق بارز قول زور در روایات، به ترانه و ساز و لهو (سرگرمی) اشاره شده است، و پیداست که حکمت و فلسفه حرمت ترانه در شریعت اسلامی مشابه حکمت حرمت شراب و سایر مواد مستی‌آور و مخدر و قمار است، که همه‌ی این‌ها انسان را از یاد خدا باز می‌دارند، و باعث نسیان و فراموشی آخرت می‌شوند، و انسان‌ها را از اقدام برای حل مشکلات اساسی زندگی سست و بی‌حس می‌کنند، و در حقیقت روی آوردن به این مواد نوعی فرار از رویارویی با چالش‎‎های زندگی تلقی می‌شود که از راه وسایل سرگرم کننده آن‌ها را به بوته‌ی فراموشی می‌سپارند. علاوه بر این، این امور باعث به فساد کشاندن جامعه و سوق دادن آن به‎سوی جنگ‎ها و نزاع‎ها و به وجود آمدن نفاق می‌شود.

ترانه باعث تشجیع و افزایش فساد جنسی و بی‌توجهی به غیرت و سستی بنیان آن می‌شود. چون افراد هواپرست آن را وسیله‎ی تحریک شهوات و راه‌کاری برای اشباع غریزه از طریق حرام قرار می‌دهند که باعث از هم گسیختن کانون گرم خانواده می‌شود، و آن را با خطرات جدی مواجه می‌سازد. علاوه بر همه‌ی موارد فوق، در ترانه و آواز هم‎چون مستی‌آورها و مخدرات نوعی اعتیاد وجود دارد زیرا ترانه آثاری خطرناک بر شبکه‎ی اعصاب می‌گذارد.

ترانه در سنت:

1 ـ امام صادق/ می‌فرماید: «خانه‌ی ترانه (ترانه‌سرا) از فجایع در امن نیست و هیچ دعایی در آن اجابت نخواهد شد، و ملائک وارد آن نخواهند گشت.

2 ـ در دو آیه‌ی ﴿ ﴾ و ﴿ ﴾ امام صادق قول روز را به ترانه تفسیر کرده است.

3 ـ محمد پسر مسلم می‌گوید: شنیدم ابا جعفر/ می‌گفت: «ترانه از جمله چیزهای‎ست که خداوند وعده‎ی آتش دوزخ بر آن داده است، بعد این آیه را تلاوت فرمود: ﴿ ﴾ [لقمان: 6]. (به ترجمه آن در صفحات گذشته مراجعه شود).

4 ـ محمد پسر علی بن حسین گوید: روایت شده که اجر و مزد آوازخوان (آن‎چه از بابت ترانه دریافت می‌کند) حرام است.

5 ـ از امام صادق/ منقول است که رسول خداص فرمود (من شما را از رقص و پای‎کوبی و سرنا و نی و خلوت با زن بیگانه و جام شراب و طبل نهی می‌کنم.

6 ـ امام صادق/ گوید: نواختن عود، نفاق در قلب می‌رویاند چنان‎که آب باعث سبز شدن سبزیجات می‌شود.

احکام:

1 ـ ترانه و موارد مربوط به آن چون موسیقی و به‎کارگیری اسباب مسرت آفرین و سرگرمی حرام هستند، حتی اگر قرآن کریم و کلمات دعایی و اشعار مشتمل بر امور مثبت و مفید و حلال به صورت ترانه خوانده شوند، حرام است.

2 ـ ترانه را وسیله‌ی کسب روزی و پول در آوردن قرار دادن به هر شکلی از اشکال حرام است، کسی که در مقابل آوازخوانی کرایه و اجرتی دریافت کند، یا آلات ترانه بسازد و ساختن آن‌ها را وسیله‌ی پول درآوردن قرار دهد، و هر عقد و معامله‌ای که ترانه و آواز محل و مبنای آن واقع شود حرام است.

3 ـ خرید و فروش و اجاره دادن و تولید کردن نوارهای کاسیت ویدئو و سی‌دی مشتمل بر ترانه حرام است.

4 ـ مشهور است که ترانه‎ی زنان ترانه‌خوان در مجالس زنانه‎ی عروسی بشرطی که مردان با آن‌ها قاطی نشوند و سخن حرام بر زبان نیاورند و امثال این‎ها حلال است اما از باب رعایت احتیاط، ترک آن‌ها بهتر است.

5 ـ میزان و معیار جداسازی ترانه از غیر آن ـ در صورت گرفتار اشتباه شدن ـ عرف حاکم است.

حکم ترانه و سُرنا و نی

بسیاری از علمای سلف ترانه و آواز بدون موسیقی را مکروه دانسته‌اند. و واژه‌ی کراهت در کلام علمای سلف حمل بر تحریم می‌شود.

علمای سلف امت به وفور از ترانه ـ ولو بدون موسیقی ـ نهی کرده‌اند. ابن عباسم گوید: در آیه ﴿وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَشۡتَرِي لَهۡوَ ٱلۡحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ بِغَيۡرِ عِلۡمٖ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًاۚ أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ عَذَابٞ مُّهِينٞ ٦﴾ [لقمان: 6]. منظور از لهو حدیث ترانه است. ابن‎مسعود گوید: سوگند به خدا منظور از آن [**لَهْوَ الْحَدِيثِ**] ترانه است.

و هم او گفته: «ترانه باعث روییدن نفاق در دل می‌شود».

از رسول خداص به ثبوت رسیده که: «در میان امت من قومی پیدا می‌شوند که زنا و ابریشم و شراب و ساز را حلال می‌دانند و اقوامی در کنار کوهی منزل می‌گیرند فقیری از خود آن‌ها برای رفع نیاز و حاجت خویش به سوی آن‌ها می‌آید. می‌گویند امروز برگرد و فردا بیا. شب هنگام خداوند آن‌ها را به عذاب خود گرفتار می‌کند و کوه را بر سرشان می‌ریزد و تعداد دیگری از آنان تا روز قیامت مسخ شده و به میمون و خوک تبدیل می‌شوند. امام بخاری این حدیث را موصول نه، معلق روایت کرده است. شیخ‎الاسلام ابن تیمیه/ گوید: روایت امام بخاری/ در صحیحش به‎صورت معلق و مقطوع‎به، در مورد آلات لهو و ترانه صادق و صحیح است.

فضل پسر عیاض گوید: آواز و ترانه مقدمه زنا است.

خلیفه‌ی اموی یزید پسر ولید می‌گوید: ای بنی امیه از ترانه بپرهیزید چون ترانه حیاء را کم می‌کند و شهوت را افزایش می‌دهد و بنیان مروت را ویران می‌نماید. ترانه نایب شراب است و آن‎چه که مستی با انسان می‌کند ترانه نیز می‌کند، و اگر نتوانستید از آن اجتناب کنید آن را از زنان دور بدارید چرا که ترانه مقدمه و منادی زنا است.

بیهقی در کتاب «شعب الأیمان» روایت کرده است که خالد پسر عبدالرحمن گوید: در لشکر سلیمان پسر عبدالملک بودیم شب هنگام، صدای ترانه بشنید، در اولین لحظات صبح کسی را به دنبال آوازخوان‎ها فرستاد، آن‌ها را آوردند گفت: وقتی اسب شیهه می‌کشد فوراً شترِ ماده بسوی او می‌آید، شتر نر صدایی از خود بیرون می‌آورد، شتر ماده بسویش شتابان می‌دود، بز نر صدایی از خود در می‌آورد، ماده بز به‎طرفش می‌شتابد، مرد هم آواز می‌خواند، زن مشتاق او می‌شود، بعد فرمود این‌ها را اخته کنید. عمر پسر عبدالعزیز گفت: اخته کردن مثله است، و مثله حرام است، بعد آن‌ها را رها کرد. بیهقی در شعب الایمان روایتش کرده است.

ابن القیم/ گوید: ترانه دل را به فساد می‌کشد، و اگر دل به فساد کشیده شد در وادی نفاق به هیجان می‌افتد.

و گمان در این نیست اگر ترانه و آواز همراه با آلت موسیقی باشد، تأثیرش بیشتر و حرمتش شدیدتر است.

امام بیهقی/ گوید اگر کسی بر آوازخوانی دوام نداشته باشد (یعنی از ترانه خودداری ورزد)، اما به تارزنی روی آورد، این عمل هم به هیچ وجه جایز نیست، چون بنابر آن‎چه در اخبار آمده است تار زدن بدون ترانه هم غیر جایز است. و احادیثی در این زمینه روایت شده است، و ترانه از جمله باطل به شمار می‌آید.

در مورد حکم ترانه از قاسم پسر محمد سؤال شد گفت: من تو را از آن نهی می‌کنم و آن را دوست ندارم، آن مرد گفت: آیا حرام است؟ گفت ای برادرزاده بنگر آیا وقتی خداوند حق و باطل را از هم تمییز داده است ترانه را در کدام قسمت جای داده؟ یعنی ترانه در قسمت باطل است یا در قسمت حق؟

شیخ الاسلام ابن تیمیه/ می‌گوید: یکی از مشایخ برای من بازگو کرد که یکی از پادشاهان فارسی خطاب به یکی از مشایخ ـ که مردم را برای آواز و ترانه جمع کرده بود ـ گفت: ای شیخ اگر این راه بهشت است پس راه دوزخ کدام است!!؟

حلیمی/ گوید: قول حرام بودن ترانه از این روست که تشویق به حرام، و فریب دادن در آن وجود دارد، و داخل این فرموده خداست که می‌فرماید: ﴿وَلَا تَعَاوَنُواْ عَلَى ٱلۡإِثۡمِ وَٱلۡعُدۡوَٰنِ﴾ [المائدة: 2].

«بر گناه و تجاوز هم‎دیگر را کمک و مساعدت نکنید».

امام بیهقی/ می‌گوید: جماعتی از صحابه روایت کرده‌اند که با خود اشعار زمزمه می‌کردند، اما جواز زمزمه و خواندن آن‌ها به‎صورت آواز در اشعاری صادق است که سرودن آن‌ها حلال و جایز باشد و آوازخوانی به آن‌ها در بعضی اوقات جایز و بعضی اوقات حرام است، اگر از اشعار به‎مثابه‎ی ترانه استفاده شود، و شاعر آوازخوانی به‎وسیله‌ای آن‌ها را بعنوان شغل و صنعتی برای خود برگزیند و به‎وسیله‌ی نسبت داده شدن این اشعار به وی شهرت و معروفیت پیدا کند، امام شافعی/ می‌گوید شهادت و گواهی دادنش جایز نیست، و این عمل او جزو لهو مکروهی‎ست که به باطل شباهت دارد. و کسی‎که این کار را انجام دهد سفیه و نادان تلقی شده و مروتش ساقط می‌گردد، و کسی‎که برای خود به این عمل راضی باشد هر چند عملش حرامِ انکار تلقی نگردد. در واقع خود را از ارزش انداخته است.

اگر حکم ترانه‌ی‌ بدون موسیقی چنین باشد، حکم آن همراه با موسیقی و ساز و نی چگونه خواهد بود؟

اما ترانه و آوازهای مشتمل بر تشویق فراخوانی به جهاد و دعوت به فضایل، و ترانه‌های که در آن‌ها ستایش و مدح رسول خداص وجود دارد هم‎چون ترانه‌های نزد سلف شهرت نداشته بلکه توسط صوفی‎ها و دراویش وارد حوزه‌ی فرهنگ اسلامی گردیده‌اند.

رضای خداوند به‎واسطه برانگیختن خشم او بدست نمی‌آید، بلکه جلب رضایت خداوند عزوجل از طریق انجام امری که او آن را دوست دارد و از آن راضی است تحقق می‌یابد، و اگر ترانه محبوب و مورد رضایت خداوند متعال می‌بود قطعاً رسول خداص و اصحاب بزرگوار در کسب و استفاده از آن بر ما پیشی می‌جستند.

و اگر باعث تحریک نشاط افراد برای جهاد و امثال آن می‌بود، بی‌شک در استفاده از آن بر ما پیشی می‌گرفتند. بلکه برعکس آن‎چه از اصحاب مشاهده شده این‎که آن‌ها از طریق انجام انواع طاعت و قربات و اجتناب از محرمات، بر تقرب جستن از خداوند حریص بوده‌اند، حتی در میان لشکرها نیز از ترانه و بیهوده‌گویی خودداری کرده‌اند، چنان‎که به نقل از سلیمان پسر عبدالملک/ قبلاً بیان کردیم که او در تاریکی شب در میان لشکریان خود صدای ترانه شنید و قصد کرد که آنانی را که شب هنگام مشغول آوازخوانی بوده‌اند اخته کند.

و اگر ترانه و آواز در مدح و ستایش پیغمبرص باشد، باز هم جز محدثات (امور تازه بوجود آمده و بدعت) است، چون ترانه و آوازخوانی در مدح رسول خداص تنها بعد از قرن سوم هجری در جوامع اسلامی رؤیت و شناخته شده است.

آیا چه خیری در این وجود دارد که فردی یک‎سال تمام سنت رسول خداص را فراموش کند و تنها در یک شب آن هم در قالب آواز و ترانه آن را بیاد بیاورد؟!

حالت چنین انسانی مانند چگونگی رفتار و حالت انسان‎های غربی با مادرانشان است که در طول سال آن‌ها را رها می‌کنند، و فقط یک‎روز به زیارت و دیدارشان می‌روند!

امام ابن تیمیه/ می‌گوید: شادمانی و تفریح به‎وسیله‎ی آلات لهو و موسیقی حرام است، حتی اگر در گوش دادن به محبوب‌ترین کلام نزد خداوند ـ یعنی گوش دادن به قرآن ـ از نغمه و آهنگ ترانه استفاده شود. پس چگونه در گوش دادنی که خداوند آن را حرام نموده (ترانه) استفاده از آن‌ها جایز است؟ آیا پیوست و ضمیمه کردن آن‎چه که خداوند حرامش کرده با آن‎چه که حلال است، حرام را حلال می‌کند، و قسمت حرام را محبوب و مورد رضایت خدا قرار می‌دهد؟

امکان ندارد حب قرآن و حب ساز و آواز با هم جمع شوند.

ابن القیم/ می‌گوید:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| **حب الکتاب وحب الحان الغناء** |  | **في قلب عبد ليس يجتمعان** |

محبت قران و محبت آواز و ترانه در دل بنده با هم جمع نمی‌شوند.

از جمله چیزهای محسوس و ملموس این‎که:

کسی‎که از آهنگ و ترانه لذت و کام بگیرد، نمی‌تواند شیرینی و حلاوت تلاوت کلام خدا را بچشد. بلی ممکن است تلاوت مجرد و بدون روح قرآن با آوازخوانی جمع شوند، اما گوش دادن مفید و مؤثر به قرآن، با گوش دادن به ترانه و آواز قابل جمع نیستند. چرا که ترانه جزو کلمات و احادیث لهو است، و انسان را از راه خدا باز می‌دارد، از این روست که خداوند هنگامی که از ترانه ـ به لهو الحدیث ـ یاد می‌کند و می‌فرماید: ﴿وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَشۡتَرِي لَهۡوَ ٱلۡحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ بِغَيۡرِ عِلۡمٖ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًاۚ أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ عَذَابٞ مُّهِينٞ ٦ وَإِذَا تُتۡلَىٰ عَلَيۡهِ ءَايَٰتُنَا وَلَّىٰ مُسۡتَكۡبِرٗا كَأَن لَّمۡ يَسۡمَعۡهَا كَأَنَّ فِيٓ أُذُنَيۡهِ وَقۡرٗاۖ فَبَشِّرۡهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ٧﴾ [لقمان: 6 - 7].

«و از مردم کسی هست که سخنان بیهوده را می‌خرد؛ تا به نادانی (مردم را) از راه الله گمراه سازد، و آن (آیات) را به ریشخند می‌گیرد، اینان برایشان عذاب خوار کننده‎ای است».

در جلمات: ﴿لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ﴾ و ﴿وَإِذَا تُتۡلَىٰ عَلَيۡهِ ءَايَٰتُنَا وَلَّىٰ مُسۡتَكۡبِرٗا كَأَن لَّمۡ يَسۡمَعۡهَا كَأَنَّ فِيٓ أُذُنَيۡهِ وَقۡرٗا﴾ دقت کن، می‌بینی که ترانه سبب بازداشتن از راه خدا است، و کسی‎که ترانه و آواز را دوست دارد نمی‌تواند شنیدن و گوش دادن کلام خدا را دوست داشته باشد، بلکه بر عکس کلام خدا بر او سنگین و گران است.

کسی‎که ترانه را دوست دارد، و بدان گوش می‌دهد اگر از طریق رادیو و تلویزیون مشغول گوش دادن به ترانه باشد، ولی ناگهان آهنگ قرآن به گوشش برسد چه بسا از شنیدن آن ناراحت و آزرده خاطر شود. بنگر که ترانه و آواز چه اثری بر قلب انسان می‌گذارد.

از آن‎چه که مشاهده شد معلوم می‌شود که ترانه انسان را به سوی مکارم اخلاق و فضایل آن دعوت نمی‌کند، بلکه برعکس او را به عشق و دل‎باختگی، محبت و سرگردانی کاذب فرا می‌خواند.

ترانه دربرگیرنده ذکر محاسن زنان و بچه‌گان است!

آیا چه خیری در این چنین چیزی وجود دارد؟

یک وقفه و یک شبهه

عده‌ای ادعا می‌کنند موسیقی آرام و نرم، باعث آرامش و راحت اعصاب خواهد شد. اما مسئله چنین نیست، زیرا از نظر طبی نیز به اثبات رسیده است که نفس انسانی آرامش را در قرآن می‌یابد، نه در ترانه. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَتَطۡمَئِنُّ قُلُوبُهُم بِذِكۡرِ ٱللَّهِۗ أَلَا بِذِكۡرِ ٱللَّهِ تَطۡمَئِنُّ ٱلۡقُلُوبُ ٢٨﴾ [الرعد: 28].

«آن‌هایی‎که که ایمان آورده‌اند و دلشان به یاد خدا اطمینان پیدا کرده، بدان که به یاد خدا دل‎ها آرام می‌گیرد».

برخی گویند کسانی هستند که به جایز بودن گوش دادن به ترانه فتوا داده‌اند؟

آیا این عمل آنان بر چه چیزی دلالت می‌کند؟

در جواب گویم: در این مورد از دل خودت طلب فتوا کن!

بیشتر جوانانی‎که مفتون‌ ترانه هستند و بدان گوش فرا می‌دهند به هنگام روزه‌داری از گوش دادن به آن خودداری می‌کنند و اگر آن را مباح می‌دانستند ترکش نمی‌کردند، این عملِ شنوندگان ترانه و پیروان فتوای رخصت و اجازه در آن جای دقت و تأمل است.

چندی پیش جوانی درباره‌ی حکم گوش دادن به ترانه از من سؤال کرد، و گفت فلان شیخ در یکی از کانالهای ماهواره‌ای به جواز گوش دادن به آن فتوا صادر کرده است.

گفتم: الآن کاری به فتوا نداشته باشید. خودت چه می‌‌گویی؟ و در عمق درون خودت چه می‌یابی؟ آیا هنگامی که به ترانه گوش می‌دهی احساس محدودیت و ناراحتی نمی‌کنی؟ آیا زمانی‎که به ترانه گوش می‌دهی چنان احساس می‌کنی انگار به سخنرانی یا درسی گوش می‌دهی؟

گفت: نه قسم به خدا.

گفتم رسول خداص می‌فرماید: **«الْبِرُّ حُسْنُ الْخُلُقِ، والْإِثْمُ مَا حَاكَ فِي صَدْرِكَ وَکَرِهْتَ أَنْ يَطَّلِعَ عَلَيْهِ الناس»**([[1]](#footnote-1)). «نیکی یعنی اخلاق حسنه و پسندیده، اما گناه چیزی‎ست که در دل و نفس شما پیدا می‌‌شود و تو دوست نداری مردم از آن اطلاع یابند».

و ابن مسعودس فرموده: «گناهان دل‎ها را به وفور تصرف می‌کنند».

یعنی آثاری از گناه بر قلب و نفس باقی خواهد ماند، و در نتیجه نفس روی آسودگی به‎خود نمی‌بیند.

پیغمبر بزرگوارص قاعده‌ای برای ما وضع کرده و آن اینکه: **«دَعْ مَا يَرِيبُكَ إِلَى مَا لَا يَرِيبُكَ»**([[2]](#footnote-2)). آن‎چه که تو را در شک می‌اندازد رها کن، و به سوی آن‎چه که شکی برایت نمی‌آفریند تمایل پیدا کن.

یک سؤال و جوابش

چرا ترانه نفاق را در دل می‌رویاند؟

امام ابن القیم/ این سؤال را ایراد کرده بعد فرموده:

اگر گفته شود چرا در میان همه‌ی گناهان تنها آواز و ترانه نفاق را در قلب می‌رویاند؟

در جواب گفته می‌شود: این یکی از روشن‎ترین دلایل معرفت و فقه صحابه بر احوال و اعمال دل‎ها و معرفت آن‌ها بر علاج و درمان آن است، زیرا ایشان پزشک و دکتر واقعی دردهای قلبی هستند، نه افراد مریض القلب و منحرف، که از راه و روش آن‌ها انحراف کرده، و پیروی از ایشان برای درمان و معالجه‌ امراض قلبی به مثابه‌ی معالجه مرض جسمی به‎واسطه سَمّی که انسان را می‎کشد است.

آری این پزشکان معالج، این‎چنین با امراض روحی برخورد کرده‌اند، در نتیجه پزشک معالجی پیدا نشده و هر دم بر مرض و تعداد افراد مبتلا افزون گردیده است، و امراض مزمن هر دم بیشتر سر درمی‌آورند که در زمان سلف اصلاً سابقه نداشته‌اند.

عدول از داروی سودمند شارع (خدا و رسول) و تمایل نشان دادن به داروی که مرض را تشدید می‌بخشد بر مقدار مصیبت افزود و قضیه را بزرگتر کرد، در نتیجه خانه‌ها و بازارها و راه‎ها مملو از افراد مریض گردید، و هر جاهل و نادانی به امر طبابت و معالجه‌ی مردم روی آورد.

ترانه و آواز تأثیر اساسی بر آلوده کردن دل به مرض نفاق دارد، و جوانه‎ی آن را در دل می‌رویاند، چنان‎که آب زراعت را رشد و نمو می‌دهد.

ترانه دل را به سرگرمی و لهو گرفتار، و از فهم و تدبر و عمل به قرآن بازمی‌دارد، قرآن و آواز هرگز با هم در یک دل جمع نمی‌شوند، چون میان آن‌ها تضاد وجود دارد.

قرآن انسان را از پیروی هوی و هوس باز می‌دارد، و او را به عفت و دوری از شهوات امر می‌نماید. و از اسباب گمراهی و پیروی از گام‎های شیطان باز می‌دارد.

در حالی‎که ترانه به عکس این امور فرا می‌خواند، شهوات را در درون به هیجان می‌آورد، و انسان و نفس انسانی را به‎سوی قبایح تحریک می‌کند، و او را به‎سوی تلخ و شیرینی سوق می‌دهد ... ترانه جاسوس دل است، رباینده مروت است، وسوسه‌گر عقل است، در عمق دل نفوذ می‌کند، و بر اسرار درون اطلاع می‌یابد، به محل خیالات راه می‌یابد، و هوا و شهوت و پوچی و سستی و بی‌شرمی و حماقت در درون پرورش می‌دهد.

مردی می‌بینی که نشانه‎ی وقار و جمال عقل و حسن ایمان و وقار اسلام و شیرینی قرآن بر سیمای او هویدا است، اگر به آواز و ترانه گوش داد، و به‎سوی آن تمایل پیدا کرد، گرفتار نقص عقل و قلّت حیا و ذهاب مودت و ادب می‌شود، و شیطانش از عمل او خرسند می‌گردد.

کلام مفصل او (ابن القیم/) به پایان رسید.

و در این‎جا سخنی وجود ندارد که لازم باشد آن را بر کلام ابن القیم بیفزاییم پس رحمت خدا بر او باد و خداوند او را بهشت وسیعش شاد فرماید.

و خداوند برتر و داناتر است.

**نویسنده - عبدالرحمن بن عبدالله بن صالح السحیم 4/3/84**

1. - رواه مسلم. [↑](#footnote-ref-1)
2. - رواه أحمد وترمذی ونسائي. [↑](#footnote-ref-2)